

اول ماه مه روز کارگر است، کارگر! به پیش!

در آستانه اول ماه مه ایستاده ایم. در اول ماه مه کارگران سراسر جهان به خیابان می آیند و با تظاهرات و جشن و پایکوبی، قدرت خود را در برابر جهان سرمایه داری به نمایش می گذارند. اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران، روز تجلی اراده و عزم استوار پرولتاریای جهان به براندازی نظام سرمایه داری و نابودی هرگونه تبعیض، ستم و نابرابری و استثمار است. طبقه کارگر ایران نیز گردانی از این ارتش جهانی است که برای نابودی نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم مبارزه می کند. کارگران ایران به رغم محرومیت از آزادی های سیاسی و به رغم آن که از حق تجمع و تظاهرات و راه پیمانی محروم اند، اما هر ساله به استقبال اول ماه مه می روند و روز جهانی کارگر را در اشکال مختلفی جشن می گیرند و همبستگی طبقاتی خود را در مبارزه علیه نظم سرمایه و برای نابودی استثمار، با کارگران سراسر جهان اعلام می دارند.

رژیم ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی و خانه کارگرش نیز، طبق روش های تاکنونی سرگرم بازی همیشگی اجازه دان و اجازه گرفتن راهپیمایی و برگزاری مضحکه "هفته کارگر" و اجرای نمایشات چندش آوری چون گلباران "مرفد مطهر" خمینی، تجدید میثاق با مقام ولایت، دیدار با امثال رفسنجانی و خاتمی، حضور در نمازهای جمعه و اجرای مراسم "شبی با قرآن" و امثال آن هستند و خلاصه هرکس به نحوی می کوشد روز جهانی کارگر را از محتوای آن خالی کند تا آن جا که حتا رئیس خانه صنعت و معدن رژیم هم بنا دارد "سوت کار را در کلیه کارخانه های کشور" آن هم به مناسبت "گرامیداشت مقام کارگر" به صدا در آورد.

کارگران ایران اما با ابراز نفرت و انزجار نسبت به این ها و با تمسخر این خیمه شب بازی های مضمنز کننده، در تدارک برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه اند. کارگران ایران با اتبانی سرشار از تجربه به ویژه تجربه برگزاری مراسم های

در صفحه ۲

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعاتی ها
- ۷ و بیانیه های سازمان

در اول ماه مه فریاد می زنیم:

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

زنده باد سوسیالیسم

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت) - اردیبهشت ماه ۸۴

۳

"انتخابات" و "تحولات بنیادی" به شیوه جمهوری خواهان

در ساختار سیاسی و حقوقی کشور، امکان تغییر این وضعیت و گذار مسالمت آمیز به دموکراسی وجود ندارد.

اگر کسی با ماهیت طبقاتی و مواضع سیاسی جمهوری خواهان ایران آشنائی نمی داشت و نمی دانست که اتحاد جمهوری خواهان متشکل از گروهها و افرادی ست که تا زمانی که کوس

در صفحه ۸

شورای سیاسی اتحاد جمهوری خواهان ایران، با صدور بیانیه ای خطاب به "هم میهنان عزیز" و "نیروهای سیاسی آزادی خواه" از آنها خواسته است که "انتخابات" دوره نهم ریاست جمهوری رژیم را به "یک فرصت سیاسی برای خواست آزادی و تحولات بنیادی" تبدیل کنند. بیانیه جمهوری خواهان می گوید: "تجربه دوران اصلاحات نشان داد که بدون یک تحول بنیادی

به پیش، و از یاد مبرید
در چیست قدرت شما!
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش، و از یاد مبرید
همبستگی را!

۵

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۴۷)

روابط اقتصادی، نقشی ثانوی دارند... به این دلیل سرمایه داری یا سایر سیستم های اقتصادی را علت ستم بر زن نمی دانیم و باور نداریم که با یک انقلاب صرفاً اقتصادی، ستم بر زن ناپدید خواهد شد. ستم سیاسی بر زنان، دینامیک های طبقاتی خود را داراست. و این دینامیک، "غیر سیاسی" است، یعنی سیاست خویشتن روانی، می باشد... هویت خویشتن مردانه به علت توانایی اش در اعمال قدرت بر خویشتن زنانه استمرار می یابد"

جولیت میچل، که همین نظر را دارد، نتیجه می گیرد که لازم است زنان تمام طبقات با هم متحد شوند:

"...آن چه که حائز اهمیت است، نه اختلافات طبقاتی، بلکه این نکته ی حیاتی است که همه زنان مورد ستم مردان واقع می شوند. در خانه،

در صفحه ۷

در این شماره نشریه کار ترجمه بخش دیگری از فصل "شکست موقیعت: جنبش رهائی بخش زنان در ایالات متحده" از کتاب "مبارزه طبقاتی و رهائی زنان" اثر تونی کلیف ارائه می شود.

تئوری فمینیسم رادیکال

ایده اصلی جنبش رهائی زنان آمریکا، دشمنی با مردان است. از این رو، مانیفست فمی نیست رادیکال نیویورک اعلام می دارد:

"به عنوان فمی نیست های رادیکال ما واقف هستیم که در حال مبارزه قدرت با مردان می باشیم، و از آن جایی که مردان حاملان و بهره مندان از امتیازات نقش مردانه خود هستند، آن ها را عامل ستم بر خود می دانیم... ما اعتقاد داریم که هدف شوونیسم مردانه، عمدتاً ارضای خویشتن (Ego) روانی است و جلوه های آن در

اول ماه مه روز کارگر است،

کارگر! به پیش!

مستقل اول ماه مه در سال گذشته، دارند خود را برای روز کارگر و جشن اول ماه مه آماده می کنند.

کارگران ایران در حالی به استقبال اول ماه مه می روند که طبقه سرمایه دار و دولت پاسدار منافع این طبقه، در یک سال گذشته نیز به تعرضات خود علیه کارگر و سطح معیشت کارگری ادامه داده است. هزاران کارگر را اخراج و صف بیکاران را تراکم تر ساخته است. دهها هزار کارگر را بلا تکلیف و در معرض اخراج قرار داده است. فشار کاروساعات کار را افزایش داده و بر شدت استثمار افزوده است. سر و ته حقوق و مزایای کارگری را زده است. دستمزدها را کاملاً زیر خط فقر نگاه داشته است و عملاً متجاوز از ۳۰ میلیون کارگر و اعضای خانواده های کارگری را رسماً به فقر و گرسنگی انداخته است. به رغم این تعرضات و فشارها و به رغم تمام سرکوب ها و بگیر و ببند ها و محدودیت های متعددی که رژیم و ارگان های جاسوسی اطلاعاتی آن بر سر راه کارگران و فعالان کارگری ایجاد نموده تا کارگران را مرعوب و از تعقیب خواست های خود منصرف سازد، اما کارگران مصمم اند روز جهانی کارگر را آن طور که خود تشخیص می دهند جشن بگیرند، مراسم مستقل خود را برگزار نمایند، خواست ها و مطالبات خود را با صدای بلند فریاد کنند و بار دیگر قدرت خویش را در برابر نظام حاکم و جیره خواران آن به نمایش بگذارند. هیچ درجه ای از فشار و ارعاب قادر نیست طبقه کارگر را از مبارزه برای بهبود شرایط کار و رهایی از وضعیت نکبت بار کنونی بازدارد. میلیونها کارگر بیکارند، هیچ ممر درآمدی ندارند و کار می خواهند.

میلیونها کارگر فقیر و گرسنه اند و حتا نان خالی را نیز به زحمت می توانند بر سر سفره خود فراهم کنند. کارگران ایران از آزادیهای سیاسی به کلی محروم اند. حتا اجازه ندارند تشکل های خود را ایجاد کنند. به راستی چه راه دیگری در برابر کارگران باقی مانده است جز آن که برای کار، برای نان و برای آزادی مبارزه کنند. کارگران راه دیگری ندارند جز آن که متحد و یک پارچه وارد میدان شوند، نظم سرمایه داری موجود را به زیر کشند و نظم شورانی خود را مستقر سازند.

۲۵ سال حاکمیت ارتجاع اسلامی، جز تشدید بیش از پیش مصائب نظام سرمایه داری، جز بیکاری و فقر و بدبختی، جز گرسنگی و نکبت و فحشا، جز بیماری و اعتیاد و معضلات دیگری از این دست، ثمر دیگری نداشته است و آشکارا جامعه را در همه ابعاد به قهقرا سوق داده است.

تجربه تمام این سال ها و جنبش های اعتراضی بر این واقعیت صحنه می گذارد که مادامی که طبقه کارگر به طور جدی و یک پارچه وارد صحنه نشده است و رهبری جنبش های اعتراضی را در دست نگرفته است، جامعه نیز همین مسیر افولی را طی خواهد کرد.

تنها طبقه کارگر است که خواهان دگرگونی بنیادی نظم موجود و حل ریشه ای معضلات موجود است. تنها طبقه کارگر است که قادر است

اخباری از ایران

تجمع اعتراضی کارگران "بافیران"

کارگران شرکت نساجی و ریسندگی بافیران در اراک، در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر واگذاری و فروش این واحد، دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر استانداری و اداره کل کار استان مرکزی، خواستار ضمانت شغلی شدند. شایان ذکر است که طی یک سال گذشته افزون بر آن که حقوق و مزایای کارگران به طور نامنظم پرداخت شده و عیدی و پاداش برخی از کارگران نیز پرداخت نشده است، برخی از اموال شرکت نیز توسط ادارات بیمه و دارائی توقیف شده و هم اکنون کارگران این شرکت در حالت بلا تکلیفی به سر می برند.

اجتماع اعتراضی کارگران پتروشیمی

دهها تن از کارگران پتروشیمی آبادان در اعتراض به بازنشستگی اجباری خود، روز پنجشنبه اول اردیبهشت دست به تجمع زدند. بیش از یک ماه است که از ورود ۳۵ تن از کارگران به شرکت جلوگیری می شود. کارگران طی این اقدام اعتراضی خواستار پایان بلا تکلیفی و رسیدگی به مشکلات خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران کشت و صنعت

به دنبال تصمیم دولت مبنی بر واگذاری کارخانجات کشت و صنعت "شهید بهشتی"، "شهید رجایی" و "هفت تپه"، بیش از ۴۰۰۰ تن از کارگران این واحدها دست به اعتراض زدند و با تحصن در دفتر امام جمعه و فرمانداری دزفول، مخالفت خود را با واگذاری این واحدها اعلام کردند و خواستار ضمانت شغلی خود شدند. این تحصن بیش از یک هفته ادامه یافت.

تجمع اعتراضی کارگران "سالمین"

کارگران شرکت "سالمین" در ساوه، در اعتراض به "تعدیل" و کاهش نیرو در خطوط تولید، جابجایی کارگران رسمی و جایگزین آنها با کارگران قراردادی، در برابر ساختمان اداری شرکت در شهر صنعتی کاوه، دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع اعتراضی که سه روز ادامه یافت، مسئولین شهرستان قول دادند نیروهای حذف شده از خط تولید، دوباره به سر کارهای خود باز گردند.

اعتصاب در پارسیلون

کارگران شرکت پارسیلون لرستان، سه شنبه ۲۳ فروردین در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود دست از کار کشیدند. کارگران با تجمع در محوطه کارخانه، خواستار پرداخت مطالبات معوقه و ضمانت شغلی خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران یخچال سازی

کارگران یخچال سازی لرستان در اعتراض به تعطیلی و عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، روز چهارشنبه ۲۴ فروردین دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر کارخانه، خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند.

اعتراض به اخراج

شرکت "نم بارش تهران" واقع در ساوه از ۲۲ کارگر خود، ۲۰ کارگر را به بهانه اتمام مدت قرارداد، اخراج کرد. در اعتراض به این موضوع، کارگران اخراجی که از ۲ تا ۱۰ سال سابقه کار دارند، دست به تجمع زدند و خواستار بازگشت به کار و رسیدگی به مشکلات خود شدند. شایان ذکر است که کارفرما، نیروهای جدیدی را جایگزین کارگران اخراجی نموده است. این در حالیست که کارگران اخراج شده حتا از حق بیمه بیکاری نیز محروم اند.

اجتماع اعتراضی کارگران شهرداری

در اعتراض به واگذاری بخش های خدماتی شهرداری مهاباد به شرکت های خصوصی، کارگران شهرداری دست به تجمع زدند. کارگران هشدار دادند که اجازه نخواهند داد شرکت های پیمانکاری حق و حقوق آنها را پایمال کنند.

تجمع کارگران شهرداری

به دنبال پلمپ کردن مجتمع فرهنگی-هنری "دنیای شادی" واقع در شرق تهران، صدها کارگر و اعضای خانواده آنها و نیز غرفه داران این مجتمع روز سه شنبه ۲۳ فروردین دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر شهرداری خواستار رسیدگی به مسئله و بازگشت به کار شدند.

اجتماع اعتراضی پرسنل بیمارستان

- کارگران بیمارستان مهدیه کرمانشاه نسبت به عدم پرداخت دو ماه حقوق و مزایا و نیز عیدی و پاداش خود، دست به اعتراض زدند و برای دومین بار در ظرف یک ماه، در برابر بیمارستان تجمع اعتراضی برپا کردند. اعتراض کنندگان که پلاکاردهائی همراه خود داشتند، خواستار پرداخت فوری مطالبات و رسیدگی به سایر مشکلات خود شدند.

- صبح روز دوشنبه ۲۲ فروردین صدها تن از کارکنان مراکز بهداشتی و درمانی استان گیلان، در محل مرکز آموزش درمانی "الزهر" رشت، دست به تحصن و تجمع اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان خواستار

در صفحه ۳

اول ماه مه، روز نمایش قدرت کارگری است. اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران است. پس پرشورتر از سال گذشته و بسان تنی واحد به میدان آئیم، پیکره نظم پوسیده ی حاکم را به لرزه اندازیم و شمه ای از قدرت اتحاد و همبستگی خود را به نمایش بگذاریم! امروز اول ماه مه روز کارگر است، کارگر! به پیش!

مسیر جامعه را عوض کند و آن را از ریشه دیگرگون سازد. تنها طبقه کارگر است که با ورود متشکلش به صحنه سیاسی، این ظرفیت و توانائی را دارد که نه تنها خود را از وضعیت دشوار و طاقت فرسای کنونی نجات هد و از قید و بند های نظام حاکم رها سازد، بلکه همراه نجات خویش، کل توده های مردم زحمتکش جامعه را نیز نجات دهد.



در اول ماه مه فریاد می زنیم: زنده باد همبستگی جهانی کارگران

زنده باد سوسیالیسم

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

رفقای کارگر!

آماده شویم که روز جهانی کارگر، روز همبستگی بین المللی و قدرت نمائی کارگران سراسر جهان فرا می رسد.

در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، ارتش جهانی کار، قدرت عظیم خود را در برابر دنیای سرمایه، استثمار و ستم به نمایش می گذارد و با این نمایش قدرت، بر عزم استوار خود به نبرد برای برانداختن نظام طبقاتی سرمایه داری و برقراری یک جامعه سوسیالیستی تاکید می کند.

ما کارگران ایران نیز به عنوان گردانی از ارتش جهانی کار، با برپائی تظاهرات، راهپیمائی و گردهم آئی، همبستگی مان را با هم زنجیران خود در پنج قاره جهان، در مبارزه برای تحقق هدف مشترکمان به نمایش می گذاریم.

اول ماه مه، فرصت دیگری ست تا ما کارگران، نفرت و انزجار خود را از نظام اقتصادی - اجتماعی ستمگرانه و استثمار گرایانه سرمایه داری حاکم بر ایران و رژیم سیاسی اجتماعی پاسدار آن، با صدای بلند، ابراز داریم.

رفقای کارگر!

در اول ماه مه، ما چون یک پیکر واحد، در برابر نظامی صف آرائی می کنیم که روزمره، شیوه جان کارگر را مکیده و می مکد. روز به روز شرایط معیشتی ما را وخیم تر و طاقت فرساتر کرده و زندگی ما را تباه کرده است.

کارگران ایران با فقر مطلق روبرو هستند. اکثریت بسیار عظیم کارگران حتا قادر به تأمین حداقل معاش خود نیستند. نظام نکبت بار سرمایه داری، میلیون ها تن از خواهران و برادران ما را بیکار و به خیابان ها پرتاب کرده است. فقر و گرسنگی به جزء لاینفک زندگی ما تبدیل شده است.

رفقای کارگر!

ما، در اول ماه مه، در برابر طبقه مرتجع و ستمگری صف آرائی می کنیم که ما را از ابتدائی ترین حقوق انسانی، مدنی و سیاسی محروم کرده و حق مان را در تعیین سرنوشت زندگی سیاسی و اجتماعی مان از ما سلب کرده است. لذا، بیان مشخص مطالبات ما در اول ماه مه، شعار کار - نان - آزادی - حکومت شورائی ست.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، بر عموم کارگران مبارک باد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - بر قرار باد حکومت شورائی

نابود باد نظام سرمایه داری - زنده باد سوسیالیسم

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

سازمان فدائیان (اقلیت) - اردیبهشت ماه ۱۳۸۴

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

شدند. با وجود آن که از مدت ها قبل مبالغی از این فرهنگیان اخذ شده تا در برابر آن به آنها زمین واگذار شود، اما تاکنون به این وعده عملی نشده است.

اخراج و بیکارسازی کارگران

- نساجی فومنت که به بخش خصوصی واگذار شده بود، ۸۳ کارگر را اخراج و ۷۳ کارگر

اخباری از ایران

پرداخت حق ارتقای شغلی خود هستند.

بیانه اعتراضی

جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو با صدور بیانه ای، اخراج کارگران شرکت ایران خودرو و دیزل را محکوم نموده و خواستار بازگشت به کار فوری و بی قید و شرط کارگران اخراجی شدند. بیانه همچنین کارگران را به اتحاد و مبارزه علیه اخراج و بیکاری کارگران فراخوانده است.

نامه اعتراضی

- جمعی از کارگران قراردادی شرکت "ایرانیدیل" با امضا یک نامه، نسبت به قراردادهای موقت و تاخیر در پرداخت دستمزدها، اعتراض نموده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. کارفرمای این واحد نظرسنجی بر این است که کارگران هر ۷ تا ۱۰ ماه یک بار حقوق بگیرند.

- کارگران شرکت "صندف لعاب" یزد با ارسال یک نامه سرگشاده خطاب به رئیس "دیوان عدالت" رژیم، نسبت به عدم پرداخت مطالبات معوقه و بازگشت به کار خویش اعتراض کردند. این کارگران ۹ ماه است اخراج شده و هیچگونه حقوقی به آنان پرداخت نشده است.

اجتماعات اعتراضی معلمان

- معلمان نواحی چهارگانه اهواز و شهرستان شوشتر و برخی دیگر از شهرهای خوزستان، در یک اقدام هماهنگ صبح روز دوشنبه ۲۲ فروردین ساعت اول از رفتن به کلاس های درس خودداری کردند. معلمان خواستار پرداخت مطالبات معوقه و رسیدگی به سایر مطالبات خود شدند.

- روز دوشنبه ۲۲ فروردین، حدود صد نفر از معلمان حق التدریسی در برابر مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند. معلمان ضمن اعتراض به آئین نامه اجرائی وزارت آموزش و پرورش در مورد شرایط استخدامی معلمان حق التدریسی، خواستار استخدام رسمی شدند.

- معلمان مدارس شهرستان دزفول، روز سه شنبه ۲۳ فروردین برای دومین روز متوالی دست به اعتراض زدند و ساعت اول از رفتن به کلاس های درس خودداری کردند. به گزارش ایلنا، فرهنگیان دزفول بیش از ۳۰ میلیارد ریال مطالبات معوقه دارند.

- روز چهارشنبه ۲۴ فروردین شماری از زنان معلم حق التدریسی در برابر ساختمان مرکزی آموزش و پرورش دست به اعتراض و تحصن زدند. معلمان ضمن سر دادن شعارهایی، خواستار استخدام رسمی شدند. در ادامه اقدام اعتراضی خود، معلمان در برابر مجلس نیز اجتماع اعتراضی برپا کردند.

- صبح روز دوشنبه ۲۹ فروردین، شماری از زنان معلم حق التدریسی بار دیگر دست به اعتراض زدند. معلمان ضمن اعتراض نسبت به عدم رسیدگی به خواست های خود از جمله

استخدام رسمی، در برابر سازمان صدا و سیما دست به تجمع و تحصن زدند و خواستار تحقق مطالبات خود شدند.

- بیش از ۴۰۰ تن از فرهنگیان بازنشسته کرج، روز پنجشنبه اول اردیبهشت دست به اعتراض زدند. معلمان و فرهنگیان بازنشسته ضمن اعتراض به عملی نشدن وعده های تعاونی مسکن، در مهرشهر کرج یک اجتماع اعتراضی برپا کرده و خواستار رسیدگی به مسائل خود



توقف قطارها در اسکاتلند

روز ۱۷ آوریل تمامی کارگران خطوط مترو در شهر گلاسکو دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند. چندین ماه است که آخرین دور مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی با بن بست مواجه شده و هیچ خبری هم از حل اختلافات کارگران و کارفرما نیست. در این مدت کارگران چند بار دست به اعتصاب یکروزه زده و روز ۱۷ آوریل پنجمین اعتصاب سراسری کارگران برای رسیدن به اهداف خود بود. کارگران با این اعتصابات خواستار افزایش دستمزدها و افزایش تعطیلات سالانه خود هستند. در اعتصاب روز ۱۷ آوریل دهها هزار مسافر به خیابانها آمدند و تردد اتومبیلها را با مشکلات بزرگی مواجه ساختند. در حالیکه نمایندگان کارفرما پیشنهاد خود برای افزایش دستمزدها را مناسب می خوانند، اعتصابیون اعلام نمودند که تا مخالفت کارفرما با خواست آنان اعتصابات دیگری در راه خواهد بود.

اعتصابات باراندازان فنلاند

هزاران نفر کارگر بارانداز در چند بندر فنلاند روز ۱۴ آوریل دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در پی به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی کارگران آغاز شده و بدون شک آخرین آن هم خواهد بود. باراندازان فنلاند از دستمزدهای خود ناراضی بوده و خواهان افزایش آن ها به میزان ۸ درصد هستند. این اعتصاب دهها کشتی باربری را در بنادر مختلف این کشور در صف های طویل به انتظار تخلیه بارهای خود نشانده. اعتصابیون اعلام نمودند که این حرکت تا پذیرش خواست آنها از سوی کارفرما ادامه خواهد یافت.

اعتصاب معدنچیان در نیوزیلند

روز ۲۱ آوریل نزدیک به ۷۰۰ کارگر معدن در ۴ معدن ذغال سنگ متعلق به شرکت Solid Energy در نیوزیلند دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند. در این روز معدنچیان در مقابل ساختمان اداری این معادن تجمع نموده و خواستار رسیدگی به خواسته های خود شدند. معدنچیان خواستار افزایش دستمزدها به میزان درصد ۸ هستند، اما صاحبان این معادن تنها صحبت از افزایش ۳ درصدی دستمزدها کرده و از معدنچیان خواستند که تا بهبود وضع اقتصادی این شرکت، با پیشنهاد آنها موافقت کنند. اعتصابیون اعلام نمودند در طول ۱۰ سال گذشته چگونگی افزایش دستمزدها یکی از موارد عمده اختلاف بین آنها و سرمایه داران بوده و این در حالی است که در همین مدت میلیونها دلار صرف هزینه های رفاهی روسای این معادن شده است. این اعتصاب، که در دهسال اخیر بی سابقه بوده است، در صورت ادامه مخالفت سرمایه داران ادامه خواهد یافت.

اعتصاب کارگران در آمریکا

نارضایتی در میان کارگران شهرداری شهر

سانفرانسیسکو هر روز در حال افزایش است. کارگران از دستمزدهای خود ناراضی اند. اعتراضات موردی و مذاکرات با نمایندگان کارفرما هم پس از نزدیک به ۹ ماه هیچ ثمری نداشته است. روز ۱۴ آوریل کارگران خدمات در خوابگاههای ۹ دانشگاه، ۵ مرکز بهداشتی و دیگر تاسیسات دانشگاهی دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. با آغاز این اعتصاب، بخشی دیگری از کارگران خدمات شهرداری در دیگر مناطق به اعتصابیون استان Santa Cruz پیوسته و دست به اعتصاب زدند. در این مذاکرات کارگران خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۲۰ درصد بوده و در ضمن خواهان تضمین امنیت شغلی خود از سوی مقامات شهرداری هستند.

- اوایل ماه آوریل جورج بوش رئیس جمهور آمریکا اعلام نمود که دولت این کشور در صدد است که خدمات بازنشستگی کارگران این کشور را به شرکت های خصوصی واگذار نماید. اعلام این خبر موجی از نارضایتی و مقاومت در میان کارگران به راه انداخت. به این ترتیب و با شعار "آزادی انتخاب" نمایندگان سرمایه داران دست به فریب کارگران زده و در تلاشند تا سهم بیشتری از هزینه پر خرج ماشین بوروکراتیک-نظامی خود را به دوش کارگران بیندازند. در اعتراض به این اقدامات و به دعوت شورای سراسری اتحادیه های کارگری آمریکا، AFL-CIO، روز ۵ آوریل دهها هزار کارگر در ۷۰ شهر آمریکا از جمله سانفرانسیسکو، نیویورک و واشنگتن دست به اعتصاب زده و در خیابانهای این شهر ها دست به راه پیمانی زدند. همزمان با این اعتراضات، کارزار وسیعی برای توقف این طرح دولت آغاز شد.

- روز ۲۰ آوریل اعتصاب رانندگان و کارگران تعمیرات و نگهداری یکی از شرکت های اتوبوسرانی در شهر نیویورک پس از نزدیک به ۷ هفته خاتمه یافت. این کارگران به همراه کارگران چند شرکت دیگر اتوبوسرانی برای افزایش دستمزدها، کاهش سهم کارگران در تامین هزینه های بیمه درمانی و افزایش ایمنی محیط کار خود دست به این اعتصاب ۷ هفته ائی زدند. در طول این اعتصاب ۴۸ روزه، دهها هزار مسافر هر روزه با مشکلات متعددی مواجه بوده و ترافیک این شهر با مشکلات متعددی مواجه شد. سرانجام مبارزه و مقاومت یکپارچه کارگران به ثمر نشست و با پذیرش بخش زیادی از خواسته های کارگران این اعتصاب خاتمه یافت.

- روز ۱۴ آوریل تمامی ۳۰۰ کارگر کارخانه Johnson Truck، تولیدکننده قطعات فایبرگلاس در ایالت Wisconsin، در پی بی نتیجه ماندن مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. موارد مورد اختلاف کارگران و صاحبان کارخانه افزایش دستمزدها و کاهش سهم کارفرما در تامین بیمه درمانی کارگران بود. در نخستین گام مدیریت کارخانه راه تهدید مستقیم کارگران را در پیش گرفت و اعلام نمود که در صورت عدم خاتمه فوری این اعتصاب، این کارخانه به نقطه دیگری منتقل خواهد شد. برغم این تهدید آشکار، اعتصابیون هر روزه در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع می کنند و با پخش

هزاران اعلامیه در تلاشند تا افکار عمومی را در جریان این حرکت اعتراضی خود بگذارند. اعتصابیون می گویند صاحبان این کارخانه در ۱۰ سال گذشته میلیونها دلار سود به جیب زدند، اما هر زمان که کارگران صحبت از اضافه دستمزد کردند، پاسخ تنها تهدید کارگران به بیکاری بوده است. علاوه بر این تلاش تازه سرمایه داران برای انتقال بار بیشتر هزینه بیمه های درمانی به دوش خود کارگران، به وضوح نشان داده است که کارگران چاره دیگری جز ادامه مبارزه تا پیروزی کامل ندارند.

اعتصاب کارگران در انگلستان

صنایع خودروسازی انگلستان با بحران مرگ و زندگی روبرو است. کارخانه خودروسازی Rover که زمانی بیش از ۲۵۰ هزار نفر کارگر در کارخانجات آن به کار مشغول بودند، روز ۷ آوریل تمام فعالیت اقتصادی خود را متوقف نمود و زندگی هزاران کارگر را با نابودی مواجه ساخت. گذشته از وضعیت نامعلوم این کارخانه، کارگران یکی دیگر از قدیمیترین کارخانجات خودروسازی انگلستان Rolls نیز با سرنوشتی نامعلوم مواجه هستند. در همین رابطه روز ۵ آوریل بیش از ۴۰۰ کارگر یکی از بخشهای تولیدی این کارخانه در شهر Mount Vernon دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. اعتصاب همچنان ادامه دارد و کارگران با تجمع در مراکز شهر و پخش هزاران اطلاعیه در تلاشند تا دلایل این اعتصاب را به گوش مردم برسانند.

اعتصاب کارگران مخابرات در جمهوری بلژ

تمامی کارگران مخابرات جمهوری بلژ، هندوراس انگلیس، روز ۱۸ آوریل دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. اعتصابیون خواستار لغو قرارداد و اگذاری شرکت دولتی مخابرات این کشور به شرکت های امپریالیستی می باشند و از مقامات دولت این کشور خواستند که این شرکت را به تعاونی کارگران واگذار نماید. برغم تبلیغات و دروغ پرانی بی وقفه علیه اعتصابیون، این حرکت مورد حمایت و همبستگی دیگر اقشار مردم بویژه دانشجویان، جوانان و بیکاران این کشور قرار گرفته است. در همین رابطه و در حمایت از اعتصابیون، روز ۲۰ آوریل هزاران نفر به خیابانها آمدند و در مقابل ساختمان دولت تجمع کردند. هنوز مدت کوتاهی از این تجمع نگذشته بود که مردم خشمگین دست به پرتاب سنگ و چوب به سمت این ساختمان زده و با ماموران پلیس به زدوخورد پرداختند. در گوشه دیگری از پایتخت این کشور مردم خشمگین به کاخ ریاست جمهوری حمله کرده و در اینجا هم ضمن زدوخورد با ماموران پلیس و ارتش، سنگ و چوب به سمت این ساختمان پرتاب کردند. اعتصابیون اعلام نمودند که اعتراض خود را تا دستیابی به پیروزی ادامه خواهند داد.

اعتصاب کارگران پست در رومانی

روز ۱۸ آوریل بیش از ۳۵ هزار نفر کارگر پست در سراسر رومانی دست به یک اعتصاب ۱۰ روزه زدند. دستمزد کارگران پست در رومانی حدود ۱۷۰ یورو در ماه است که تنها

اخباری از ایران

رابازنشسته کرد. ۲۷۱ کارگر دیگر این کارخانه نیز در حالت بلاتکلیفی به سر می برند.

- شرکت لاستیک سازی گیلان، ۸ کارگر خود را که بیش از ۹ سال سابقه کار داشتند اخراج نمود. - شرکت زغال سنگ "نگین" واقع در طبس ۴۰ کارگر خود را اخراج نمود.

- مدیر عامل فروشگاه زنجیره ای قدس شعبه هلال احمر در جنوب تهران، تمام ۴۰۰ نفر پرسنل این فروشگاه را اخراج کرد. پرسنل فروشگاه که پس از تعطیلات نوروزی به محل کار خود مراجعه نموده و بادهای بسته مواجهه شده بودند، توانستند درها راباز کنند و شب و روز را در فروشگاه به سر می برند، به امید آن که فروشگاه فعالیت خود را ادامه دهد. اما مسئولین فروشگاه از بازگشایی و بازگشت به کار پرسنل ممانعت می کنند.

- ۱۶۸ کارگر شرکت کفش بهپوش که از دوسال پیش تعطیل شده است، همچنان بلاتکلیف اند. این کارگران هر کدام ۲۸ سال سابقه کار دارند و خواستار بازنشستگی پیش از موعد می باشند. اما سازمان تامین اجتماعی از پذیرش این خواست تاکنون خودداری کرده است.

- یخچال سازی بهمن (قیلور) واقع در شهریار، ۳۵۰ کارگر را به ازای هر سال سابقه، یک ماه حقوق بازخرید کرد. این موضوع مورد اعتراض کارگران است که همگی بالای ۲۵ سال سابقه کار دارند. کارگران خواهان کار و در مرحله بعدی دومه و نیم حق سنوات کاری می باشند.

- کارخانه نساجی آران جنوب در آبادان به بهانه کمبود مواد اولیه تعطیل و ۵۰ کارگر بیکار و بلاتکلیف شدند.

- ایران ایما واقع در کرج ۱۶ تن از کارگران خود را اخراج کرد. این کارگران چند ماه حقوق و مزایای خود را نیز نگرفته اند.

دستمزد کارگران را نمی دهند

- شرکت خدماتی سبز شهر در طبس ۵ ماه حقوق کارگران را پرداخت نکرده است.

- شرکت طبس شیمی در همین شهر بیش از ۱۴ ماه حقوق کارگران را نپرداخته است.

بیش از ۳۰ شرکت خدماتی در شهرستان طبس از پرداخت حقوق کارگران امتناع می کنند.

- بیش از سه ماه است دستمزد کارگران شرکت ایران شعله واقع در نیشابور پرداخت نشده است. کارگران این شرکت از ۵۰۰ نفر به ۶۰ نفر کاهش یافته که آنها نیز بلاتکلیف اند.

- کارخانه نوشین صنعت واقع در همین شهرستان تولید کننده انواع نوشابه گازدار، تعطیل است و ۸۴ کارگر آن سه ماه است حقوق نگرفته اند

حوادث ناشی از کار

- یک کارگر ۳۷ ساله اداره آب و فاضلاب زاهدان که در یکی از کانال ها مشغول به کار بود، به علت ریزش کانال جانش را از دست داد. - همچنین حمید قلچائی یک کارگر ۲۳ ساله با ۴ سال سابقه کار در این اداره، هنگام حفر کانال در

اثر ریزش دیواره کانال جان خود را از دست داد. این حادثه روز ۲۶ فروردین رخ داد.

- روز یکشنبه ۱۲ فروردین سه کارگر شرکت فراز دانش آسیا، به علت سقوط جعبه تعادلی لودریزیر آن مانده و جان خود را از دست دادند. این حادثه در شهر عسلویه در استان بوشهر رخ داد.

چند خبر کوتاه

- کارگران شرکت واحد نیشابور در ازای ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار روزانه، تنها ۳۵ هزار تومان دستمزد می گیرند. از این مبلغ حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان به عنوان حق بیمه از آنان کسر می شود. در عین حال از این کارگران مبلغ ۵۰۰ هزار تومان به عنوان سفته اخذ شده است.

- به گزارش ایلنا، اعضای هیئت ماده ۹ قانون نوسازی و بازسازی صنایع گیلان در روزهای پایانی سال ۸۳ مجوز اخراج کارگران ۱۹ کارخانه در این استان را صادر کردند. واحدهای تولیدی زیر از جمله این کارخانه ها می باشند: ایران برک، پارس، جلوبندی لاهیجان، پیله و ابریشم گیلان، ریسندگی خاور، ریسندگی و رنگ رزی پنگون، فرش و موکت پنگون، پلاستیک لاکان، فیبر ایران، دارو پوش، خزان استرچ، لاستیک سازی، الکترو موتور ایران، ظرفیران، بسته بندی کارتن شمال، روغن موتور لوشان و پارس موکت.

از صفحه ۴

اخبار کارگری جهان

پاسخ گوی بخشی از هزینه های کمر شکن زندگی است. به همین دلیل خواست کارگران با این اعتصاب افزایش دستمزدها، افزایش حق اولاد و حق بازنشستگی است. اما پاسخ مدیران شرکت پست دولتی این کشور به خواست کارگران نشان از نقش امپریالیستها در ایجاد و استمرار فقر و گرسنگی بر مردم این کشور دارد. مدیران شرکت پست دلیل مخالفت خود با افزایش دستمزدها را مخالفت مقامات صندوق بین المللی پول اعلام نمودند. دیگر بهتر از این نمی شد به کارگران نشان داد که کنترل واقعی اقتصاد این کشور در دست کیست. کارگران مصمم اند تا این اعتصاب را تا پیروزی کامل خود ادامه دهند. در همین حال مقامات دولت نیز راه مقابله مستقیم با اعتصابیون را در پیش گرفته و در گام نخست ضمن غیر قانونی خواندن این اعتصاب، از مقامات قضائی خواستند تا حکم پیگرد و دستگیری سازمان دهندگان این اعتصاب را صادر کنند.

کمک مالی

هامبورگ

مذاپار ۶۰ یورو

سرود همبستگی

...

ای سیاه! ای سفید! زرد! سرخ!
نزاع های دیرین را به یک سو
گذارید.

سخن گویند باهموعان تان و ببینید
همه اندیشه ای واحد دارید.

به پیش، و از یاد مبرید
در چیست قدرت شما!

به هنگام گرسنگی و به هنگام
سیری

به پیش، و از یاد مبرید
همبستگی را!

برای پیش بردن امر ما
هم به تو وهم به تو نیاز هست.

با یاران خود در افتادن
از نیروی خود کاستن.

به پیش، و از یاد مبرید
در چیست قدرت شما!

به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
به پیش، و از یاد مبرید

همبستگی را!

دارو دسته ی حاکم بر ما

از دو دستگی ما سخت خشنودند.

زیرا تاهست این دودستگی برجا
می توانند آنان سروری کنند.

به پیش، و از یاد مبرید
در چیست قدرت شما!

به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری
همبستگی را!

کارگران جهان! متحد شوید!

تا از زنجیر ها شوید آزاد.

ارتش های قدرتمند شما می جنگند
تامحو کنند خودکامگی واستبداد!

به پیش، و از یاد مبرید

و مسئله به طور مشخص این است:

خواه گرسنه، و خواه سیر،

فردا فردای کیست؟

دنیا دنیای کیست؟

(برتولت برشت)

“انتخابات” و “تحولات بنیادی” به شیوه جمهوری خواهان

جمهوری خواه در قبال “انتخابات نمایشی” چه خواهد کرد؟“ ضمن پشتیبانی از اشکال مقاومت مدنی“ در روز انتخابات “حضور سفید و اعتراضی“ خواهد داشت. برای رفع هرگونه سوء تفاهم، باید اضافه کرد که منظور از “حضور سفید و اعتراضی“ هم این نیست که آنها همانند بنیادگرایان اسلامی با کفن سفید در روز انتخابات حضور می یابند و به حکومت اعلان جنگ می دهند. نه، اعتراض جمهوری خواه “مدنی“ ست. آنها در “انتخابات نمایشی“ شرکت می کنند، منتها برای اینکه اعتراضی هم کرده باشند، رأی سفید به صندوق ها می اندازند. این است تمام هنر اتحاد جمهوری خواهانی که خود را دمکراتیک و لائیک هم می نامند.

بنیاده اتحاد جمهوری خواهان به وضوح نشان می دهد که جمهوری خواهان ایران، ناتوان تر و علیل تر از آن هستند که حتا بخواهند آن گونه که گاه ادعا می کنند، برای برقراری یک نظام پارلمانی بورژوائی تلاش کنند. تاریخ یک قرن گذشته، این حقیقت را به دفعات آشکار کرده است که آنها یا همدست ارتجاع سلطنتی هستند و یا اسلامگرا. آن چه که امروز بنیاده اتحاد جمهوری خواهان از جمهوری اسلامی می خواهد، چیز دیگری جز تکرار همین واقعیت نیست.

از آنجائی که جمهوری خواه، طبقه سرمایه دار را نمایندگی می کند که مدت های مدید است به یک طبقه مرتجع و زائد در ایران تبدیل شده و از همین روتنها با سرکوب و اختناق می تواند سلطه خود را حفظ کند، لذا هیچ نقش و رسالتی حتا جمهوری خواهانه به معنای بورژوائی آن نداشته و نخواهد داشت.

اکنون طبقه میلیونی کارگر است که به عنوان طبقه ای مترقی و بالنده، رسالت تمام دگرگونی های انقلابی را بر عهده دارد. حتا تحقق رادیکال مطالبات معوقه بورژوا- دمکراتیک نیز بر عهده طبقه کارگر و مبارزه و انقلاب این طبقه است. اگر قرار است در ایران یک دمکراسی به معنای واقعی کلمه برقرار شود، این یک دمکراسی کارگری، دمکراسی شورائی خواهد بود. با وجود یک چنین دمکراسی است که به دور باطل یک قرن مبارزه توده های مردم ایران برای کسب آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک، اما سلطه مداوم ارتجاع و استبداد، پایان داده خواهد شد و مردم از گسترده ترین و وسیع ترین آزادیها برخوردار خواهند شد. در این جاست که توده های کارگر و زحمتکش برسرنوشت خویش حاکم می گردند و این کامل ترین شکل دمکراسی ست. در این جاست که هرگونه مانعی از سر راه طبقه کارگر برای تکامل جامعه از طریق گذار به سوسیالیسم و رهائی بشریت ستمدیده برداشته خواهد شد.

جمهوری خواهان ایران که مدافع نظام سرمایه داری هستند و منافع طبقه سرمایه دار را نمایندگی می کنند نه تنها رسالتی برای تحولات مترقی و بالنده در ایران ندارند، بلکه گروهی مرتجع و واپس گر آیند. اما بیانه اتحاد جمهوری خواهان نشان می دهد که آنها به تمام معنا کودن هم هستند

سزار ولیه خو Cesar Vallejo

مردی می گذرد

برگردان از: علی اصغر فرداد

مردی می گذرد، با تکه نانی بر دوش
چگونه می توانم در این لحظه به ناقوس ها و مردگان ببندیشم؟
مردی ژنده از درد می نالد، شپش های تنش را می گیرد
یاوه گویی در باب پسیکوانالیز با او چه معنایی دارد؟
مردی با چوبدستی اش جمجمه کسی را خرد کرده است
باید با پزشک معالج او درباره فلسفه سقراط گفتگو کرد؟
پدری با یک پای چوبی اش
به همراه کودکی گرسنه در خیابانها پرسه می زند
خواندن کتاب های آندره برتن چه دردی از آنها دوا خواهد کرد؟
کسی از سرما چون سگ می لرزد، خون سرفه می کند
آیا این علامتی از حضور ضمیر ناخودآگاه است؟!
کس دیگری برای پر کردن شکم گرسنه اش
در میان زباله ها به جستجوی استخوان ها است
چگونه می توان اینجا درباب “بی نهایت” سخن گفت و موفق بود؟
کارگری از داربست سقوط می کند و می میرد
گفتگو درباب بیان تصویری در هنر
برای زن بیمار و کودک گرسنه او چه دردی دوا خواهد کرد؟
یک بازاری برای چند گرم سر خریدار خود کلاه می گذارد
اینجا وراجی در باره “بعد چهارم” چه معنایی دارد؟
یک بانکدار در کار جعل اسناد است
اینجا در تماشاخانه ها صورتکها بی هستند که گریه می کنند!
یک عمله روزمزد، پاها بر پشت، کنار خیابان خوابیده است
باید با او درباره پیکاسو گفتگو کرد؟
کارگری در آشپزخانه در کار شستشو و تیز کردن کارد و چنگال ها است
چه ارزشی دارد گفتگو کردن با او درباره آن دنیا و عاقبت؟
کسی می گذرد و با انگشت های خود می شمرد: دو دو تا چهارتا
گفتگو درباره “من برتر”
آب در هاون کوبیدن نیست؟

فعالیت احزاب و سازمان های خودی، رفراندوم، حقوق بشر و امثالهم نیز شعار گروههایی از “اصلاح طلبان“ حکومتی بود. مانیفست جمهوری خواهی شما را اکبر گنجی نوشت. لطف کنید و این ها را به عنوان برنامه جدید ناشی از “تجارب اصلاحات“ برای دگرگونی بنیادی به ما قالب نکنید.

ثالثا- توده مردم به شما خواهد گفت، که اگر قرار می بود جمهوری اسلامی به همین مطالبات ناچیز تن دهد، شعارهای مجمع روحانیون، کربوبی و خاتمی، مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت ایران اسلامی را عملی می کرد و منتظر نمی ماند تا شما بیانه تان را منتشر کنید. سرانجام نیز خواهند گفت، انتخابات ریاست جمهوری پیش کش شما باد. راه ما جداست. ما در راه برانداختن جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب و ایجاد نظمی نوین، گام بر می داریم.

وچنین می پندارند که پس از آن همه تجربه ای که توده های مردم ایران در دوران رژیم جمهوری اسلامی و از جمله ماجرای به اصطلاح اصلاحات به دست آورده اند، باز هم می توانند مردم را فریب دهند و به پای صندوق رأی که حتا خودشان هم به آن “انتخابات نمایشی“ می گویند، بکشانند.

توده های زحمتکش مردم ایران قطعا به آنها خواهند گفت، خانم ها و آقایان جمهوری خواه، بیایه شما نه نجات بخش ما از شر فجایع جمهوری اسلامی ست و نه ربطی به آن دمکراسی دارد که ما برای تحقق آن مبارزه می کنیم. ثالثا- خواهند گفت، تمام آن چه که شما از آن سخن به میان آورده اید، مدت ها پیش، حتا از سوی گروهها و باندهای هیئت حاکمه نیز مطرح شده اند. حذف نظارت استصوابی شعار مجمع روحانیون بود. شعار آزادی مطبوعات و آزادی

مبارزه طبقاتی

و رهائی زنان (۴۷)

کارکرد اجتماعی و هویت روانی زنان به عنوان یک گروه، مشاهده می‌شود... موقعیت زنان به عنوان زن ارجحیت دارد... همه زنان در هر موقعیتی که باشند مورد ستم واقع می‌شوند. از این رو است اهمیت آگاهی زنانه در هر انقلاب... اهمیت رهائی زنان."

شولامیت فایرستون در کتاب "دیالکتیک سکس" پشتوانه "تئوریک" ستم جنسی به عنوان زیربنا و اقتصاد به عنوان روبنا را ارائه می‌کند. او ابتدا می‌نویسد که بازتولید جنسی در ریشه‌های ساختار خانواده با دو "طبقه" - مرد، ستمگر و زن، ستم دیده - قرار دارد. "طبقه جنسی، برخلاف طبقه اقتصادی، مستقیماً از واقعیت بیولوژیکی نشأت می‌گیرد. مردان و زنان متفاوت خلق می‌شوند، نه مساوی."

...سازمان بازتولید جنسی جامعه، مبنای واقعی است و تنها با حرکت از آن می‌توانیم یک تبیین جامع از کل روبنای اقتصادی، نهادهای حقوقی و سیاسی وابده‌های مذهبی، فلسفی و غیره را در یک دوران تاریخی معین ارائه کنیم."

او می‌گوید علت ریشه‌ای استعمار، جنسی - روانی است: "خانواده بیولوژیکی یک توزیع ذاتاً نابرابر قدرت است. نیاز به قدرت، به ایجاد طبقاتی می‌انجامد که از فرم‌اسیون جنسی - روانی هر فرد طبق این عدم توازن اساسی به وجود می‌آید." و "نژاد پرستی، استمرار زن ستیزی است."

بنا به تحلیل صرفاً بیولوژیکی فایرستون، نابرابری جنسی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. بسیاری از فمی نیست‌های رادیکال با تکیه به تحلیل فایرستون، نتیجه گرفتند که همه تضادهای آنتاگونیستی طبقاتی و نژادی از درون نابرابری اولیه بین زن و مرد برمی‌خیزند، از این رو، نخواهید با مردان نه تنها به زن ستیزی بلکه همچنین به عواقب جانبی آن یعنی جامعه طبقاتی و نژادپرستی نیز ضربه خواهد زد.

به دست طبقه متوسط، برای طبقه متوسط

ترکیب اجتماعی جنبش زنان آمریکا و حامیان آن، عمدتاً از طبقات متوسط تشکیل شده است. جو فریمن، یکی از بینانگذاران جنبش، ترکیب اولیه آن را از "زنان سفید پوست طبقه متوسط، با تحصیلات دانشگاهی دارای مشاغل حرفه‌ای" توصیف می‌کند. در سال ۱۹۷۴، در میان اعضای بزرگترین سازمان زنان، "سازمان ملی زنان" (NOW)، ۶۶ درصد دیپلمه و ۳۹ درصد نیز دارای تحصیلات عالی بودند. مارن لاکوود کاردن می‌گوید که "تقریباً ۹۰ درصد اعضای گروه‌های حقوق زنان که با آن‌ها مصاحبه شده است، حداقل لیسانس دارند؛ یک سوم دارای درجه دکترا، فوق لیسانس یا حقوقدان هستند."

این از دنیای اکثریت زنان بسیار دور بود. در تریبونال سالانه بین المللی زنان که در سال ۱۹۷۵ از سوی سازمان ملل متحد در مکزیکو برگزار شد، شکاف بین این فمی نیست‌ها و زنان طبقه کارگر به خوبی آشکار گشت. در یک سو، زنان طبقه متوسط به رهبری بتی فریدان،

بینانگذار NOW و یکی از الهام بخشان اولیه جنبش زنان در آمریکا قرار داشتند. در سوی دیگر زنان طبقه کارگر بودند، از جمله دومیتلا باریو، همسر یک کارگر معدن بولیویایی و مادر هفت فرزند. او به مدت پانزده سال زنان کارگر معدن "کاراران" را برای یاری‌رسانی به همسران در حال اعتصاب شان سازمان داده بود. عمر متوسط ۳۷ سال، شاخص شرایط کارگران معدن بود. دومیتلا باریو یک اعتصاب غذای طولانی زنان را سازمان داده بود و چندین بار به زندان افتاده بود، و یک بار نیز در حین بازداشت، سقط جنین کرده بود. او به تندی به فمی نیست‌های ثروتمندی که به کنفرانس آمده بود، تاخت و رو به رئیس هیئت نمایندگی مکزیک گفت:

خانم‌ها، یک هفته است که من با شما آشنا شده‌ام. هر روز صبح شما یک لباس جدید می‌پوشید اما من نه. شما هر روز آرایش کرده و موهایتان مرتب است مثل کسی که وقت رفتن به آرایشگاه را دارد و کسی که پول آن را دارد، اما من نه وقت و نه پول آن را دارم. هر روز بعدازظهر یک راننده جلوی در منتظر است تا شما را به خانه برساند. و شما حتماً در یک خانه مجلل در یک محله خوب زندگی می‌کنید، این طور نیست؟ اما ما همسران معدن کاران، فقط یک خانه‌ی کوچک و رهنی داریم، و وقتی که شوهران ما می‌میرند یا بیمار می‌شوند و از کمپانی اخراج می‌گردند، ۹۰ روز فرصت داریم تا خانه را ترک کنیم و پس از آن باید در خیابان زندگی کنیم. اکنون، خانم‌ها، به من بگویید: آیا وضعیت شما شبیه ماست؟ آیا وضعیت ما شبیه شماست؟ بنابراین وقتی شما و من شبیه هم نیستیم، وقتی من و شما چنین متفاوت هستیم، چه نوع برابری می‌تواند بین ما برقرار باشد؟"

او اعلام کرد که زنان ثروتمند به شرایط زنانی نظیر او اعتنا نمی‌دارند:

"آن‌ها رنج‌های ما را نمی‌بینند، آن‌ها نمی‌بینند همسران ما چگونه ریه‌های خود را نره نره بالا می‌آورند. آن‌ها نمی‌بینند فرزندان ما دچار چه سوء تغذیه‌ای هستند. و، البته، آن‌ها، مثل ما نمی‌دانند، ساعت ۴ صبح از خواب بیدار شدن و ساعت ۱۱ تا ۱۲ شب، بعد از انجام تمام کارهای خانه، به علت شرایط مزخرف زندگی ما، به رختخواب رفتن، یعنی چه."

او نمی‌توانست این گفته بتی فریدان را که او، دومیتلا، و دوستانش "فریب مردان را می‌خورند" درک کند.

"من کمی احساس گم‌گشتگی می‌کنم. در اتاق‌های دیگر، بعضی از زنان بلند می‌شوند و می‌گویند: مردان دشمن هستند... مردان جنگ را به وجود می‌آورند، مردان سلاح‌های هسته‌ای را می‌سازند، مردان زنان را کتک می‌زنند... و بنابراین برای گرفتن حقوق مساوی برای زنان باید اول با مردان مبارزه کرد. باید به مردان اعلان جنگ داد."

او هم با زن ستیزی و هم با فمی نیسم مخالفت کرد.

"من فکر می‌کنم که زن ستیزی، اسلحه امپریالیسم است، درست مانند فمی نیسم. بنابراین تصور نمی‌کنم مبارزه اصلی، مبارزه بین دو جنس است، بلکه مبارزه مشترک دو جنس است. و وقتی می‌گویم، هر دو جنس، منظورم کودکان و نوه‌ها نیز هست که باید به مبارزه برای رهائی

خلاصه‌ای از اطلاعاتی‌ها و بیانیه‌های سازمان

"سرکوب و کشتار مردم اهواز رامحکوم می‌کنیم،" عنوان اطلاعاتی‌ای ست که سازمان ما در تاریخ ۲۷/ ۱/ ۱۳۸۴ انتشار داد.

در این اطلاعاتی‌ها گفته شده است که در پی انتشار خبری مبنی بر تلاش جمهوری اسلامی برای انتقال مردم عرب خوزستان به مناطق دیگر، گروهی از مردم اهواز در اعتراض به این سیاست ضد انسانی دست به تظاهرات زدند.

نیروهای سرکوب رژیم مردم را به گلوله بستند که در نتیجه آن ۴ تن کشته و صدها تن زخمی و مصدوم شدند.

اطلاعی‌ها می‌افزاید، به رغم این که مقامات حکومت اسلامی نامه‌ای را که در آن دستور پاکسازی مردم عرب خوزستان داده شده، جعلی خوانده‌اند، اما مشتتتا از صحت و سقم این ادعا، اعتراض مردم اهواز، نتیجه سیاست‌های شوینبستی و سرکوبگرانه طبقه حاکم بر ایران و رژیم پاسدار منافع آنهاست.

نتیجه این شوینبسم، تنها به این خلاصه نمی‌شود که مردم عرب ساکن خوزستان از حقوق انسانی خود محروم‌اند، بلکه با تقویت ناسیونالیسم در میان ملیت‌های تحت ستم، ضربات سنگینی به وحدت و همبستگی طبقه کارگر ایران وارد می‌آورد.

درپایان اطلاعاتی‌ها، سازمان ما با محکوم و مردود دانستن ناسیونالیسم و شوینبسم، از اتحاد کارگران سراسر ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و طبقه حاکم و استقرار یک حکومت شورائی دفاع نموده که در آن به هرگونه ستمگری پایان داده می‌شود و اتحاد ملیت‌های ساکن ایران داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.

از موقعیت طبقاتی بیپندند. فکر می‌کنم الان این موضوع، اساسی است."

جدایی طلبی جنبش زنان، هم در آمریکا و هم در کشورهای دیگر، امکان پیوستن زنان طبقه کارگر را تضعیف ساخت. این جدایی طلبی سرانجام به دور باطلی بدل گشت، و جنبش زنان را به انحصار زنان طبقه متوسط تحصیل کرده‌ی جوان درآورد.

محیط اجتماعی زنان سفیدپوست طبقه متوسط فعال در جنبش زنان، بسیاری را به لغزیدن به ورطه نژادپرستی سوق داد. نویسنده سیاهپوست آمریکایی، بل هوکس، خشم خود را در کتابش به نام "مگر من زن نیستم؟" بیان کرد: "جنبش زنان در آمریکا از سرچشمه‌های اولیه‌اش تا به امروز مبتنی بر نژادپرستی بوده است... زنان سفید پوست طبقات متوسط و مرفه در آمریکا بر تمامی جنبش زنان سلطه دارند."

رهبر سیاهپوست، آنجلا دیویس، در قضیه "امرت تیل" به سال ۱۹۵۳ به سوزان براون میلر حمله کرد زیرا که او زوزه‌ی یک پسرک ۱۴ ساله سیاهپوست خطاب به یک زن سفیدپوست را کما بیش با لینچ شدن پسرک توسط نژادپرستان سفیدپوست، در یک ردیف قرار می‌داد.

“انتخابات” و “تحولات بنیادی” به شیوه جمهوری خواهان

رسوایی اصلاح طلبی بر سر هر کوی و برزن به صدا در نیامده بود، آنها با تمام توان از خاتمی و گروه های موسوم به اصلاح طلبان حکومتی حمایت می کردند و برخی از آنها نظیر “اکثریت” از چاکران خمینی بودند، می توانست از بخش نخست این جمله چنین نتیجه گیری کند: تجربه مردم ایران نشان داد که اصلاحات، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، جز یک توهم و فریب چیز دیگری نبود و راه دیگری برای تحقق مطالبات توده مردم و رهائی آنها از یوغ ستمگرانه جمهوری اسلامی، جز یک انقلاب وجود ندارد.

اما کسی که اندکی از جمهوری خواه شناخت داشته باشد، می داند که در قاموس آنها “تحول بنیادی در ساختار سیاسی و حقوقی کشور،” تجربه دوران اصلاحات” و عباراتی از این دست، جز یک مشت حرف های توخالی برای فریب مردم، چیز دیگری نیست.

جمهوری خواه، بنا به ماهیت طبقاتی بورژوازی خود، نمی تواند از “تجربه دوران اصلاحات” برداشت شکست اصلاحات و اصلاح طلبی، شکست امید بستن به بهبود اوضاع در چارچوب نظم موجود و شکست توهمات را ارائه دهد. ایضا، برداشت جمهوری خواه از “تحولات بنیادی” در جامعه ایران و “تحولات بنیادی در ساختار سیاسی و حقوقی کشور، ادا به معنای از بنیاد دگرگون کردن تمام ربنای سیاسی و حقوقی موجود، با تمام نهادها، مؤسسات و ایده ها و عقاید حاکم نیست. تحول بنیادی یعنی انقلاب و جمهوری خواه، دشمن آشتی ناپذیر انقلاب است. از دیدگاه جمهوری خواه، مبتکر و آغازگر تحولات بنیادی کس دیگری جز جمهوری اسلامی نیست. اگر در گذشته، جناح موسوم به اصلاح طلب حکومتی، نتوانست از پس قول هائی که به مردم داده بود برآید، حالا نوبت جناح محافظه کار، اقتدارگرا و یا هر نام دیگری که می خواهید بر آن بگذارید است که ابتکار عمل را برای تحقق “تحولات بنیادی” در دست گیرد. به بیانیه “اتحاد جمهوری خواهان ایران” رجوع کنیم و از زبان خود آنها بشنویم که این “تحولات بنیادی” چگونه آغاز و به فرجام خواهد رسید. بیانیه می گوید، مقدم بر هر چیز، باید “آزادی انتخابات دوره آینده ریاست جمهوری تأمین گردد.”

سوال این است که چه کسی باید این آزادی را تأمین کند؟ پاسخ دیگری در بیانیه جمهوری خواهان نمی توان یافت الا اینکه، وظیفه ای ست بر دوش جمهوری اسلامی و همان جناحی که نقش مسلط را در هیئت حاکمه در اختیار دارد. اما برای این که “انتخابات دوره آینده ریاست جمهوری” انتخاباتی آزاد باشد، جمهوری اسلامی چه باید بکند؟ اصلی ترین نکات پیشنهادی جمهوری خواهان این است که جمهوری اسلامی، نظارت استصوابی راملغا کند و انتخاباتی را “زیر نظارت مشترک وزارت کشور و هیئت های نمایندگی احزاب و شخصیت های سیاسی”

برگزار نماید. سواى این، جمهوری اسلامی باید در مورد آزادی زندانیان سیاسی، تبعیدی های خارج کشور و آزادی مطبوعات هم کاری انجام دهد. به احزاب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون نیز اجازه دهد که در انتخابات شرکت کنند. البته نه همه احزاب و سازمانهای سیاسی. چون برخی از این احزاب و سازمان ها کمونیست و سوسیالیست اند، برای سرنگونی نظام سرمایه داری و پایان بخشیدن به هرگونه استعمار، ستم، قهرکشتک دولتی و نابرابری مبارزه می کنند و خواهان انقلاب و سرنگونی قهر آمیز رژیم جمهوری اسلامی هستند که با قهر و زور و اسلحه در برابر توده مردم و مطالبات آنها مقاومت می کند. از این رو بیانیه جمهوری خواهان، تنها خواهان دادن اجازه فعالیت به آن احزاب و سازمانهای شده است که “برنامه خود را بر فعالیت و رقابت سیاسی مسالمت آمیز استوار کرده اند.” همان ماجرای معروف خودی و غیر خودی “اصلاح طلبان” به زبانی دیپلماتیک و اندکی بسط یافته.

این تمام آن چیزی ست که جمهوری خواه به عنوان “انتخابات آزاد” از جمهوری اسلامی خواسته است. اما بعد چه؟

وقتی که جمهوری اسلامی، این پیشنهادات جمهوری خواهان را عملی کرد، آزادی انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری تأمین شده است و گام مهمی برای “گذار مسالمت آمیز به دموکراسی” و “تحولات بنیادی” برداشته شده است. در این لحظه است که مطابق رهنمود بیانیه “نامزد مشترک اپوزیسیون آزادیخواه” که احتمالاً آدم هائی از قماش ابراهیم یزدی، برادر خاتمی و غیره خواهند بود، وارد میدان رقابت خواهد شد و “طرح ضرورت تحولات بنیادی در ساختار سیاسی کشور و انطباق قانون اساسی با میثاق ها و موازین جهانشمول حقوق بشر از طریق مراجعه به آراء عمومی را در صدر برنامه های انتخاباتی خود قرار می دهند.” بیانیه می افزاید، اما چند نکته، مهم است که به ویژه باید بر آنها برای انجام این “تحولات بنیادی” تأکید شود. از جمله آنها آزادی های سیاسی، شفاف سازی پروژه هسته ای، برقراری روابط با آمریکا، به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل و فلسطین و “تأمین حمایت قانونی از سرمایه گذاری بخش خصوصی” است.

بدین طریق است که “تحولات بنیادی” و “تحول بنیادی در ساختار سیاسی و حقوقی کشور” به سرانجام خواهد رسید.

حالا اگر جمهوری اسلامی مانع این “تحول بنیادی” به شیوه جمهوری خواهی شد، یعنی از همان آغاز “آزادی انتخابات” دوره نهم ریاست جمهوری اش را تأمین نکرد، تکلیف جمهوری خواه چیست و چه خواهد کرد؟

بیانیه اتحاد جمهوری خواهان پاسخ می دهد که “تمام مسئولیت عواقب” این امر را بر عهده “رهبری جمهوری اسلامی” قرار می دهد. اما

در صفحه ۶



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیکی E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaians (Minority)
No. 452 april 2005

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی